

گویش‌های انگلستان، پیتیر ترادگیل، ویراست ۲، اکسفورد، بلک‌ول، ۲۰۰۰، ۱۵۴+۱۰ صفحه.*

گویش‌های کنونی زبان انگلیسی پانزده قرن تحول زبانی و فرهنگی را پشت سر گذاشته‌اند. امروز زبان انگلیسی با میلیون‌ها گویشور در شرق و غرب – چه از نظر تعداد گویشور چه از لحاظ کاربرد علمی و بین‌المللی – جایگاهی خاص یافته است. پیتیر ترادگیل، نویسنده کتاب، استاد کرسی زبان‌شناسی انگلیسی در دانشگاه فریبور^۱ سوئیس و از پژوهشگران سرشناس گویش‌شناسی انگلیسی است و تألیفات متعددی درباره زبان و جامعه، زبان‌شناسی اجتماعی و گویش‌شناسی دارد.

در این کتاب، نویسنده کوشیده، با نگاهی علمی به تاریخ و دورنما و اوضاع اجتماعی، صورت‌های کهن و امروزی گویش‌های گوناگون محلی و اجتماعی زبان انگلیسی را بررسی کند. تاریخ و جغرافیای گویش‌ها و بررسی تفاوت‌های لهجه‌ای، واژگانی، دستوری و ادبی در مناطق مختلف انگلستان از جمله مطالبی است که در این کتاب درباره آنها بحث شده است. گویش‌های منطقه‌ای و اجتماعی زومرزت^۲ (سامرست)، اسکوس^۳، کاکنی^۴، کامبرلند^۵، برامی^۶، بارکشیر^۷ (بارکشیر)، ناتینگم^۸، نورفک^۹ و انگلیسی استوئری^{۱۰} در این کتاب بررسی و مطالعه شده‌اند. با مطالعه این اثر درمی‌یابیم آنچه از آن با عنوان هم‌شکلی یا همگنی زبانی یاد می‌شود امری بعید و شاید دست‌نیافتنی است.

* Trudgill, Peter. *The Dialects of England*, 2nd ed., Oxford: Blackwell, 2000, 10+154 pp.

1) Fribourg

2) Zummerzet (Somerset)

3) Scouse

4) Cockney

5) Cumberland

6) Brummie

7) Berkshire

8) Nottingham

9) Norfolk

10) Estuary English

این اثر در پنج فصل تنظیم شده است. پس از فهرست مطالب، فهرست نقشه‌ها و دیباچه بسیار کوتاه نویسنده بر ویراست دوم، متن کتاب آغاز می‌شود. ۳۵ نقشه، ۴ جدول و ۵ نمودار درختی تنوعات گویشی (تلفظی / لهجه‌ای) واژه‌های برگزیده نویسنده را در سرتاسر انگلستان نشان می‌دهند. بخش پایانی کتاب به یادداشت‌ها، فهرست منابع و نمایه اختصاص یافته است. از ویژگی‌های ویراست دوم، بازنگری و شفاف‌سازی و به‌روزر کردن مطالب است. در این ویراست، نمادهای آوایی نیز در کنار نمودهای خطی آواهای گفتار که در چاپ نخست وجود داشت آورده شده است تا مطالعه کتاب برای اهل فن سودمندتر و برای ناآشنایان با آواشناسی آسان‌تر گردد. در مجموع، نشر غیر فنی و ساده و همه‌فهم کتاب خواننده را خسته نمی‌کند.

پیش از آغاز بحث، شایان ذکر است که فصل نخست با چشم‌انداز گسترده‌ای به روند تاریخی و اوضاع اجتماعی که در شکل‌گیری و تغییرات زبانی در زبان انگلیسی مؤثر بوده‌اند ارائه می‌شود. این مباحث نظری منعکس‌کننده دیدگاه علمی و جالب نویسنده کتاب است. حال آنکه، در فصل‌های بعدی، نقشه‌ها و نمودارهای متعددی گنجانده شده که خوانندگان علاقه‌مند برای دستیابی به اطلاعات آن باید به کتاب مراجعه نمایند. از این رو، در این نقد و بررسی، فصل نخست در قیاس با فصل‌های دیگر مفصل‌تر معرفی می‌گردد.

«گونه زبانی در انگلستان» عنوان فصل نخست کتاب است. در این فصل، نویسنده ابتدا به اهمیت مطالعه گویش‌شناسی می‌پردازد: مردم انگلستان به اصلیت خود اهمیت فراوانی می‌دهند. لهجه و گویشی که گویشوران بدان سخن می‌گویند اطلاعات متنوعی در خصوص اصلیت، طبقه اجتماعی، محیط تربیتی دوران کودکی و مانند اینها به دست می‌دهد. از این روست که برخی می‌کوشند تا لهجه خود را پنهان کنند، عده‌ای تلاش می‌کنند تا به لهجه طبقه فرهیخته جامعه صحبت کنند و دسته‌ای هم لهجه‌ای خنثی را برمی‌گزینند. تفاوت میان «گویش» و «لهجه» و نقش بارز تمایزات دستوری در گویش همه نکاتی‌اند که نویسنده با مثال‌های متنوع از نقاط مختلف انگلستان به بحث می‌گذارد. او در تعریف «گویش» و «لهجه» می‌نویسد: «... همه ما لهجه‌ای داریم و همه به گویشی سخن می‌گوییم» (ص ۲). به عقیده وی، لهجه همان تلفظ واژه‌ها [در اینجا انگلیسی] است و احتمالاً بین ۳ تا ۵ درصد مردم انگلستان لهجه محلی ندارند؛ آنان کسانی هستند

که اغلب در یکی از مدارس بزرگ ملی انگلستان درس خوانده‌اند. این لهجه را اغلب لهجه بی بی سی (BBC) می‌نامند، زیرا گویندگان خبر در رادیو و تلویزیون غالباً از میان این اقلیت انتخاب می‌شوند. نویسنده، در ادامه، «گوش» را نیز چنین تعریف می‌کند: «همه به گویشی سخن می‌گویند. هنگامی که سخن از گوش به میان می‌آید به چیزی فراتر از لهجه می‌پردازیم. در اینجا نه تنها تلفظ بلکه واژه‌ها و دستور زبان نیز دخیل‌اند» (ص ۲). مثلاً اگر دو گویشور انگلیسی مفهوم خاصی را با این دو جمله بیان کنند: I haven't got any و I ain't got none، آنان به دو گوش مختلف انگلیسی صحبت کرده‌اند زیرا در این دو جمله تمایزات دستوری به وضوح خودنمایی می‌کند.

«زبان انگلیسی معیار» از بحث‌های دیگر این فصل است. به گفته نویسنده، حدود ۱۲ تا ۱۵ درصد مردم انگلستان به انگلیسی معیار صحبت می‌کنند. در تعریف زبان انگلیسی معیار، نویسنده به گویشی اشاره می‌کند که معمولاً در نگارش به کار می‌رود و اکثر تحصیل‌کردگان انگلیسی طبقه شاخص اجتماع در انگلستان بدان سخن می‌گویند. به اعتقاد نویسنده، لهجه بی بی سی انگلیسی معیار است. با وجود این، می‌افزاید هر انگلیسی معیاری لهجه بی بی سی نیست. نویسنده در بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده که در حدود ۷ تا ۱۲ درصد مردمی که به انگلیسی معیار صحبت می‌کنند آن را با نوعی ته‌لهجه محلی درمی‌آمیزند و این خود وجه تمایزی است میان آنانی که به انگلیسی معیار خالص صحبت می‌کنند و آنهایی که ته‌لهجه دارند. با این حال، او می‌گوید هر چند غالباً انگلیسی معیار را گوش به حساب نمی‌آورند اما، از آنجایی که خود نوعی گونه زبانی انگلیسی است و از نظر دستوری با گوش‌های دیگر زبان انگلیسی تفاوت دارد، می‌توان آن را گوش دانست.

او در ادامه بحث می‌گوید که انگلیسی معیار در نقاط دیگر جهان هم وجود دارد. برای نمونه، دستور زبان انگلیسی معیار آمریکایی با دستور زبان انگلیسی معیار انگلیسی (بریتانیایی) فرق دارد و انگلیسی معیار اسکاتلندی یا ایرلندی با هر دوی اینها اندکی متفاوت است.

آنچه مسلم است، در سرتاسر انگلستان، انگلیسی معیار کم و بیش یکسان گفته و نوشته می‌شود، اما نویسنده تأکید می‌کند که نباید تفاوت انگلیسی معیار را با گوش‌های غیرمعیار انگلیسی در جنبه رسمی و غیررسمی بودن آنها جست؛ زیرا همه گوش‌ها را

در شرایط خاص می‌توان به صورت رسمی نیز صحبت کرد و انگلیسی معیار نیز مانند دیگر گویش‌های زبان انگلیسی تغییرات سبکی به همراه دارد.

در این فصل، به دو نوع گویش انگلیسی متفاوت هم اشاره می‌شود: یکی گویش‌های سنتی^{۱۱} و دیگری گویش‌های اصلی^{۱۲}. گویش‌های سنتی انگلیسی گویش اقلیتی روبه کاهش در دنیاست که از جمله در انگلستان، اسکاتلند و ایرلند شمالی بدان سخن می‌گویند. گویش‌های اصلی نیز هم آمیزه‌ای از گویش‌های غیرمعیار امروزی و هم انگلیسی معیار را دربرمی‌گیرد و در برخی مناطق انگلستان و نیز در کشورهایی مانند استرالیا، کانادا و آمریکا صحبت می‌شود.

عدم همپوشی مرزهای جغرافیایی و تقسیمات کشوری در تعیین مرز میان گویش‌ها از نکات دیگری است که نویسنده بدان می‌پردازد. برای نمونه، گویش‌های یورکشیر^{۱۳} و دارم^{۱۴} در یک مرز قاطع و مشخص از هم جدا نمی‌شوند بلکه این تغییر تدریجی است. تغییر تدریجی تلفظ در دهکده‌های سر راه این نکته را به خوبی نشان می‌دهد. در پاسخ به این پرسش جالب که گویش‌های گوناگون از کجا آمده‌اند، ترادگیل می‌گوید: زبان‌ها پیوسته در حال تغییرند و این تغییرات به روش‌های مختلف و در نواحی مختلف صورت می‌گیرد. هرگونه تغییر در گویش یک منطقه منشأ تغییر در زبان است؛ به طوری که دامنه این تغییر گسترش می‌یابد و به مناطق مجاور سرایت می‌کند و آن قدر پیش می‌رود تا کل کشور را دربرگیرد. تغییرات زبانی از نکات اسرارآمیز و جالب برای گویش‌شناسان و زبان‌شناسان است زیرا همین تغییرات زبانی باعث رشد و تکامل زبان‌ها شده است. امروزه سرعت ارتباط باعث شده تا تغییرات زبانی کندتر صورت گیرد، اما این تصور که روزی گویش‌های انگلیسی به سوی یکسان شدن بروند بعید به نظر می‌آید. این امر در خصوص تغییرات آوایی و دستوری کندتر ولی از نظر تغییرات واژگانی اندکی سریع‌تر است، زیرا وام‌گیری و به کارگیری واژه‌ها به مراتب ساده‌تر و پذیرفتنش آسان‌تر است؛ حال آنکه نکات آوایی، که از کودکی فراگرفته شده‌اند، در ذهن اهل زبان نهادینه شده است و هرگونه تغییر یا جابه‌جایی در آن به دشواری ممکن می‌گردد. در این میان، رسانه‌ها،

11) traditional dialects

12) mainstream dialects

13) Yorkshire

14) Durham

مانند رادیو و تلویزیون، نقش چندان مؤثری ندارند زیرا با این دستگاه ها نمی توان ارتباط زبانیِ دوسویه برقرار کرد. با وجود این، تغییرات زبانی همچنان عده ای را نگران کرده است. آنان با این تغییرات مخالف اند. یکی از علل های این تغییرات ریشه در عوامل اجتماعی دارد. به باور نگارنده، درست دانستن انگلیسی معیار و نادرست دانستن سایر گویش ها پذیرفته نیست. از نظر او، گویش های سنتی و امروزی در شرایط مساوی هم صحیح اند، هم دستوری؛ تفاوت فقط در اعتبار اجتماعی و کارکرد آنهاست. به همین دلیل، در مدارس انگلستان، انگلیسی معیار تدریس می شود؛ زیرا انگلیسی معیار گویشی است که اکثر تحصیل کردگان انگلستان بدان سخن می گویند. نویسنده به خالص بودن زبان و درست و غلط در زبان اعتقادی ندارد. او، ضمن اشاره به تفاوت های آوایی و واژگانی و دستوری که اساس شناخت و تمایز میان گویش های یک زبان است، به یک نکته دیگر که تاکنون کمتر بدان توجه شده می پردازد و آن «کاربرد» گویش نزد گویشوران است. وی معتقد است هنجارهای مختلفی نزد گویشوران وجود دارد و در این میان خوب و بد در کاربرد زبان امری است که صرفاً از نظر بارهای فرهنگی در نزد جوامع مختلف مطرح است.

در بخشی دیگر از این فصل، نویسنده بحث خود را بر گونه های دیگر زبان انگلیسی متمرکز می کند. او، با اشاره به امریکایی ها، استرالیایی ها و گویشوران ولشی و ایرلندی و اسکاتلندی، بحث را به گویشوران انگلیسی خارج از بریتانیای کبیر می کشاند. در ادامه، آلمانی ها، ژاپنی ها و جهانگردان و بازرگانان خارجی را، که زبان انگلیسی را در مدرسه دست و پا شکسته آموخته اند، عامل دیگر به وجود آمدن گویش های مختلف انگلیسی می داند و از دیگر گونه های زبان انگلیسی نام می برد که به عنوان زبان دوم در کشورهای چون هندوستان، پاکستان، بنگلادش، سریلانکا، نیجریه، سیرالئون، تانزانیا، سنگاپور و جاهای دیگر صحبت می شود. وی می افزاید: زبان انگلیسی هندی که زبان فرهیختگان هندی است همان قدر با انگلیسی بریتانیایی تفاوت دارد که انگلیسی امریکایی با انگلیسی بریتانیایی.

گذشته از گویش های انگلیسی، نویسنده در این فصل از زبان اشاره بریتانیایی^{۱۵} و نیز

15) British Sign Language (BSL)

زبان‌هایی مانند یونانی، ترکی، چینی، پنجابی، رومنی و... هم، که بیشتر مهاجران در شهرهای مختلف انگلستان به آنها گفتگو می‌کنند، سخن می‌گویند.

فصل دوم کتاب با بهره‌گیری از برخی پژوهش‌های میدانی به تلفظ‌های سنتی زبان انگلیسی پرداخته است. در اینجا نویسنده بر آن شده تا با بررسی تلفظ‌های گویشور گویش سنتی انگلیسی به اصلیت او پی ببرد. بدین منظور، او در ابتدا هشت واژه را برگزیده. این واژه‌ها عبارت‌اند از: bat, seven, hill, arm, land, blind, night, long. ملاک‌گزینش این واژه‌ها وجود برخی ویژگی‌های بارز تلفظی در آنهاست که گویشوران نواحی روستایی قدیمی‌تر انگلستان به هنگام سخن گفتن آنها را ادا می‌کنند. با مقایسه تلفظ گویشوران سنتی با یکدیگر و مقایسه آنها با تلفظ گویشوران امروزی، او به هشت ویژگی دست یافته و در هشت نقشه جداگانه موقعیت تلفظی آنها را نشان داده و بدین‌سان کشور را به نواحی چندگانه گویشی بخش کرده است. سپس با همپوشی این نقشه‌ها بر یکدیگر به یک نقشه نهایی دست یافته که در آن انگلستان به ۱۳ ناحیه گویشی تقسیم شده و آن دسته از مرزهای گویشی، که برجسته‌ترند، نشان داده شده‌اند. او، با این شیوه و با مطالعه گویش‌های سنتی، گویش‌ها را به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم کرده که هریک زیربخش‌هایی نیز دارد. بدین ترتیب، با منطقه‌بندی کردن این گویش‌ها بر روی نقشه‌ها، می‌توان موقعیت مکانی یا اصلیت یک فرد را براساس گویشی که به کار می‌برد تعیین کرد. در آغاز فصل سوم، در بحث از میان رفتن تدریجی گویش‌های سنتی انگلستان و صحبت اکثر مردم به گویش امروزی، نگارنده می‌نویسد: اگر بخواهیم جایگاه افرادی را که نه به گویش سنتی سخن می‌گویند و نه تلفظ بی‌بی‌سی دارند تعیین کنیم باید به ملاک‌های دیگری متوسل شویم. برای این منظور، او ابتدا واژه‌هایی چون arm, but, singer, gate, coffee, milk را برمی‌گزیند و، با توجه به ویژگی‌های تلفظی خاص در هریک از واژه‌ها و تلفظ‌های مختلف گویشوران از این واژه‌ها، هفت نقشه به دست می‌آید. با ادغام این هفت نقشه، که براساس هفت ویژگی نهفته در این واژه‌ها به دست آمده، یک نقشه تلفظی هم‌نهاد (تلفیقی) به دست می‌آید که نمایانگر ۱۶ منطقه گویش امروزی است. در این بررسی، کشور انگلستان مجدداً به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود که هریک نیز زیربخش‌هایی دارد. این زیربخش‌ها در چند مورد با نواحی

گویش‌های سنتی نیز همپوشی دارند. جزئیات این نقشه‌ها به صورت یک نمودار درختی نشان داده شده است.

در ادامه، نگارنده می‌کوشد تا با بررسی و تحلیل این نقشه‌ها آینده روند تغییر گویش‌ها را در انگلستان پیش‌بینی کند. مطالعات و بررسی‌های وی نشان می‌دهد این تغییر به سوی گفتار شهری تمایل دارد اما اثری از گرایش به سوی یکنواخت و یکدست شدن گویش‌ها به چشم نمی‌خورد. زیرا نوآوری‌ها و تغییرات اجتماعی همواره در حال زایش و از میان رفتن است که این خود منجر به تنوع‌گویی در انگلستان خواهد شد.

فصل چهارم کتاب به مشخصه‌های دستوری گویش‌های سنتی متعدد زبان انگلیسی اختصاص یافته است؛ هر چند به برخی از ویژگی‌های دستوری گویش‌های امروزی زبان انگلیسی نیز در اینجا اشاره می‌شود. در این فصل، می‌خوانیم که همه گویش‌های زبان انگلیسی قواعد و ساختارهای دستوری خاص خود را دارند که نمونه‌های آن در دستور زبان انگلیسی معیار دیده نمی‌شود. این نکته برای پژوهشگرانی که در این حوزه تحقیق می‌کنند بسیار جالب است. در نظام دستوری زبان انگلیسی، نکاتی وجود دارد که نشان‌دهنده تمایز میان گویش‌های مختلف زبان انگلیسی است. از جمله کاربردهای متفاوت ضمائر، افعال (صرف فعل، زمان دستوری، صورت‌های منفی ساز فعل) و کاربردهای مختلف فعل *to be*. به این نمونه‌ها دقت کنید.

— کاربرد *them* یا *they* در گویش امروزی غیرمعیار به جای *those* در گویش انگلیسی معیار:

Them boys over there

They books on the table

— کاربرد *me* به جای *my*:

Where's me bike?

— عدم کاربرد *s*- در صرف فعل برای سوم شخص در زمان حال ساده:

He like her.

— عکس مورد فوق نیز صادق است:

I wants it.

— صورت‌های منفی عبارت‌اند از:

گویش انگلیسی غیرمعیار	گویش انگلیسی معیار
<i>I ain't coming.</i>	<i>I'm not coming.</i>
<i>You ain't coming.</i>	<i>You aren't coming.</i>

واژه‌های محلی، که در گویش‌های گوناگون زبان انگلیسی به کار می‌رود، بحث اصلی فصل پنجم است. در این فصل، به واژه‌های متعددی اشاره می‌شود که در این گویش‌ها به مفاهیم و مصداق‌های یکسان دلالت می‌کنند. همچنین جنبه‌های کاربردی واژه‌ها (بارهای مثبت و منفی) نیز در نظر گرفته می‌شود. با این حال، در کنار تنوعات واژگانی برای یک مفهوم در گویش‌های مختلف، همواره یک واژه خاص وجود دارد که از میان یکی از این گویش‌ها برگزیده می‌شود و در زبان انگلیسی معیار در سطح عمومی کاربرد می‌یابد. در بخش دیگر، با عنوان «منشأ واژه‌ها»^{۱۶}، نویسنده به کشف دلایل این تنوعات واژگانی می‌پردازد و در این راه از مطالعات تاریخی زبانی بهره می‌گیرد.

«محو واژه‌ها»^{۱۷} از دیگر بحث‌های این فصل است. به عقیده نگارنده، تنوع واژگانی در گویش‌های گوناگون سیر نزولی دارد. امروزه تعداد آنانی که با واژه‌های گویش‌های مختلف انگلیسی آشنایند روبه کاهش است و روبه‌روز کاربرد این واژه‌ها محدودتر می‌شود. به طوری که امروزه، با تغییر و تحول در زندگی روستایی، بسیاری از واژه‌ها از زبان خارج شده‌اند و گویش امروزی جانشین گویش سنتی شده است. اکنون روند فرسایش واژگانی در میان گویش‌های انگلیسی در حال شکل‌گیری است. بدین معنی که بسیاری از واژه‌های محلی و غیررسمی، به‌ویژه درخصوص خوراک، نوشیدنی، پوشاک و بازی‌های کودکان، صرفاً محدود به گویش‌های محلی می‌شوند. نمونه‌های زیر این مطلب را روشن‌تر می‌کند:

گویش انگلیسی امروزی	گویش انگلیسی سنتی	انگلیسی معیار
girl, lass	girl, lass, mawther, maiden, wench	girl
«چای درست کردن»	make/ mash/ mask/ wet/ brew/ tea	

16) vocabulary origins

17) vocabulary loss

واژه‌های گویش انگلیسی امروزی نیز رو به کاهش است و به ناچار تعدادی از آنها از میان خواهند رفت. لذا نویسنده توصیه می‌کند، از آنجایی که گویش‌های سنتی و امروزی هر دو بخشی از محیط زبانی زبان انگلیسی هستند، باید در حفظ آنها کوشید. زیرا صرف وجود گویش معیار، زبان انگلیسی را یکنواخت و ایستا می‌کند.

خطر دیگری نیز وجود دارد. اگر روزی همه به یک گویش گفت‌وگو کنند و از واژه‌های یکسانی بهره گیرند، آن زمان همه به یک طریق فکر خواهند کرد و به ارزش‌های یکسانی خواهند رسید. درست است که انگلستان همواره یک کشور یکپارچه و همگن بوده و یکپارچگی و وحدت فرهنگی آن موجب حفظ استقلال و قدرت کشور گردیده اما کاهش سریع تنوعات گویشی نیز منجر به رکود فرهنگی و کندی پیشرفت‌های اجتماعی خواهد شد. پس باید در حفظ و حمایت از تنوعات گویشی کوشید. افزون بر این، طبیعت زبان و جامعه تغییرات را می‌طلبند و از همین رو گویش‌ها نیز در حال تغییرند. پس این تفکر که صحبت کردن به هر گویشی بجز انگلیسی معیار امری نادرست و نشانه عقب‌ماندگی فکری و بی‌خبری از تحولات دنیای کنونی است باعث می‌شود تا آنچه از آن با عنوان غنا و تنوعات زبانی یاد می‌کنیم از میان برود.

فرجام سخن آنکه بررسی‌های علمی و دقیق و چاپ و انتشار متن بی‌غلط و یکدست پژوهش‌های گویش‌شناختی با دشواری‌ها و پیچیدگی‌های خاصی همراه است. جامعیت تحقیق، روش‌شناسی علمی و دقت نظر پیتتر ترادگیل در این اثر و نیز آماده‌سازی و چاپ منقح این کتاب از سوی ناشر، با وجود نشانه‌های آوایی گوناگون، به انضمام نقشه‌ها و نمودارهای دقیق و مفصل، مایه خرسندی جوامع انگلیسی‌زبان و زبان‌شناسان است. بی‌تردید، در کشور ما انتشار کتاب‌های گویشی با یک چنین فرم و محتوا الگوی مناسبی برای پژوهش‌های گویش‌شناختی در حوزه گویش‌های ایرانی نزد پژوهشگران و ناشران علاقه‌مند به چاپ و انتشار آثار تحقیقی در این شاخه علمی خواهد بود.

علی مصریان

